

پوریا عالمی، نویسنده و طنز پرداز، مطرح کرد

فارسی دارد محو می شود!



پوریا عالمی از بی توجهی به زبان فارسی می گوید. اینکه فارسی دارد از مقابل چشمانمان محو می شود. این طنزپرداز، و نویسنده مجموعه کتاب های «تقدیم به زبان فارسی»، در گفت وگو با «ایسنا»، درباره این مجموعه و تأثیری که می تواند در توجه بچه ها به زبان فارسی داشته باشد، گفت: «مدت ها بود، وقتی کالایی را تهیه می کردم، می دیدم، پشت اسم خارجی و فونت خارجی و گرافیک خوش رنگ، به صورت ریز آرم استاندارد را درج کرده و نوشته اند کارخانه در الیگودرز، یزد، کرمانشاه یا کرج، یا خودم فکر می کردم چرا این کار را می کنیم.»

او ادامه داد: «این زنجیره به جایی رسیده است که در نام گذاری کودکان هم خود را نشان داده است. اسمی را می گذارید که شبیه اسم های خارجی باشد. همچنین، یکی از نکاتی که برای انتخاب اسم کودک درنظر می گیرند این است که فردای روز در کشورهای خارجی او را درست صدا بزنند، درواقع، از آلان کودکی را خلق می کنیم که آماده صادرات به بیرون از سرزمین خودش باشد. قرار سرمایه، فرار انسانی و ... به سیستمی تبدیل شده که همه ما در آن بازی می کنیم.»

عالمی، در بخش دیگری از حرف های خود، به اسامی شهرها اشاره کرد که با حروف انگلیسی نوشته شده اند و بیان کرد: «در میدان هر شهر، دور میدان اصلی، اسم شهر با حروف بزرگ انگلیسی نوشته شده است. مگر ما چقدر توریست داریم که –مثلا- به رشت بروند و نام شهر را به انگلیسی بخوانند؟ اضطرف دیگر، چند ایرانی از سراسر کشور به رشت رفته اند؟ چند ایرانی با این نوشته عکس گرفته اند؟ چند توریست با آن عکس گرفته اند؟ موضوع این است که شکل زبان فارسی از خیلی جاها دارد حذف می شود. زبان فارسی از جلو چشم ما دارد حذف می شود. دیگر در تابلوها و کالاهای تولیدی این زبان را نمی بینید. در خانه خود که راه می روید، لوگو پخچال و گاز، حتی اگر ایرانی باشد، به انگلیسی نوشته شده است و دیگر حروف فارسی را نمی بینید. لیوان یک بارمصرف تولید می کنند، اما به گونه ای طراحی می شود که انگار کسی در آمریکای شمالی مشتری اش است. ورود خودروهای خارجی ممنوع شد، اما در داخل خودروهایی را به مردم می فروشند که نام انگلیسی دارند، چه کسی می خواهد از خارج سمند و پراید بخرد که به انگلیسی نوشته شده است، یا کدام خارجی با چه زبانی می خواهد نام سردر مغازه را بخواند؟

پوریا عالمی گفت: «داریم بستر زبانی را مخدوش می کنیم، زیرا سوار قطار تمدنی نیستیم. ما در جهان سوم هستیم و می خواهیم به قطار جهان اول ببریم. اولین چیزی که به ذهنمان می رسد این است که زبان را ازبین ببریم یا حداقل شکل آن را ازبین ببریم، و می گوئیم زبان به لحاظ شکلی ناکارآمد است. به خاطر زبان، خیلی از حرف ها را نمی توانیم بزنیم یا خیلی از کارها را نمی توانیم بکنیم، و می گوئیم زبان برای اندیشه ورزی و علم محدود است، زبان ما برای اختراع و پرشکی محدود است. مسئله ما مرغ و تخم مرغ است، مگر ما داریم چیزی تولید می کنیم که کلمه ای تولید کنیم، زبان توسعه نمی یابد و نمی توانیم به صورت دستوری زبان را توسعه بدهید، ابتدا چیزی باید خلق شود. اصطلاحات تخته نرذ ایرانی است، و در هر جای دنیا که بازی کنند، اصطلاحات ایرانی به کار می برند. اگر کامپیوتر را اختراع می کردیم و نامش را 'دست افزار' می گذاشتیم، همه دنیا می گفتند 'دست افزار' و احتمالا الان فرهنگستان زبان انگلیسی می نشست می گفت این ها دست افزار دارند و ما تغییر بدھیم. فکر می کنم نشانه گیری غلط است و ما دنبال موجود خیالی ای هستیم که شکارش کنیم، درحالی که گله حرکت می کند و ما از آن هادور شده ایم. اندیشه خلق نمی کنیم و می گوئیم زبانمان ناکارآمد است.» این نویسنده، با بیان اینکه زبان فارسی زبان زیبایی است، اظهار کرد: «زبان فارسی بستر انتقال تمدن و فرهنگ این سرزمین است و باید زنده بماند، وگرنه به خاطر تبدیل می شود. پنجاه سال دیگر، بچه ها، زمانی که حرف بزنند، سعدی را نمی فهمند و هوشنگ گلشیری را نمی فهمند. آموزش و پرورش و تلویزیون حواسش به این چیزها نیست؛ ما هم خروجی این ها هستیم. زمانی که وزارتخانه ای حواسش نباشد، دولت حواسش نیست و، زمانی که دولت حواسش نباشد، حاکمیت حواسش نیست. در سन्द چشم انداز، جایی را نمی بینیم که بگوید حیف از این خاک و حیف از این زبان. چاره این است که بگوئیم زبان مریض است و باید درمان شود. اگر دستش را نجات دهیم، بهتر از این است که دیابت همه وجودش را بگیرد.»

عالمی سپس بیان کرد: «زبان شمع آتشکده است. اعتبار آتشکده به روشنی شعله اش است. نمی توانیم بگوئیم، هر وقت خاموش شد، فوت می کنیم و روشن می شود. اگر خاموش شود، رویش چیز دیگری می سازند و ریخش عوض می شود. زبان شوخی ندارد. زبان فارسی سخت تر است یا زبان کره ای؟ زبان فارسی سخت تر است یا زبان ژاپنی؟ زبان فارسی سخت تر است یا چینی یا هندی؟ آلان، صنعت چین و ژاپن و کره کجاست؟ آیا می دانید کیبورد چینی ها حروف انگلیسی ندارد؟ آیا می دانید یک چینی ممکن است انگلیسی اش لزوما از شما بهتر نباشد؟ آن ها

دارند زبان چینی را توسعه

می دهند و جهان خودش را

مجبور کرده است زبان چینی

یاد بگیرد، چین می گوید این

فناوری دست من است، از

من بگیرد، و برای گرفتنش

مجبورید چینی یاد بگیرد.

نمی توانیم به دنیا بگوئیم

تو را به خدا فارسی حرف

بزنید، ما آدم های مهمی

هستیم.»

شهریار

۴شنبه
۷ خرداد ۱۳۹۴
ادبیانه ۱۳۹۴
شماره ۲۵۰

۱۰

↓

فرهنگ و ادبیات

علی باقریان

تَبَه گردد آن هم به دست تو بُرِ^{۱۱}

بدین کین کشد گرز ه^{۱۲} گاوسر^{۱۳}

چو بشنید ضحاک بگشاد گوش^{۱۴}

ز تخت اندرافتاد^{۱۵} و زورفت هوش

گرانمایه از پیش تخت بلند^{۱۶}

بتابید^{۱۷} روی از نِهیب^{۱۸} گزند

چون آمد دل تا جَوَر^{۱۹} باز^{۲۰} جای

به تَخَت کِیان^{۲۱} اندر آورد^{۲۲} پای^{۲۳}

نشان فریدون به گرد جهان^{۲۴}

همی باز خُست آشکار و نِهان



۱- در گذشته، گاه، دوبار حرف اضافه می آورده اند، یک بار پیش از کلمه یا عبارت و یک بار پس از آن. «به دست تو بُرِ»، مجموعاً، یعنی «به دست تو». ۲- گرز ه: گرز، ایزاری جنگی – چوبی یا آهنین – که معمولاً یک سر آن گرد و سنگین است. ۳- گاوسر: با سر گاو، به شکل سر گاو. ۴- بگشاد گوش: گوش تیز کرد. ۵- اندرافتاد: فرو افتاد، سرنگون شد. ۶- بتابید: برگرداند. ۷- نِهیب: ترس. ۸- تا جَوَر: تاج دار، پادشاه. ۹- باز: به سوی. ۱۰- کِیان: جمع «کی»: پادشاهان بزرگ. کِیانی، شاهانه. ۱۱- اندر آورد: گذاشت، قرار داد. ۱۲- زمانی که دل پادشاه آرام شد، [دوباره] بر تخت کِیانی پا نهاد و در آن جای گیر شد.

در میزگردی با موضوع فردوسی و میراث او مطرح شد

در عصر هوش مصنوعی هم «شاهنامه» ستون استوار فرهنگ ماست

گروه فرهنگ و ادبیات

فردوسی، در روزگاری که زبان پارسی در سایه فراموشی و فرسایش بود، با آفرینش «شاهنامه»، نه تنها آن را زنده نگاه داشت، بلکه بن مایه ای نیرومند برای پایداری اندیشه و منش ایرانی فراهم آورد. «شاهنامه، تنها سرگذشتی آهنگین از شاهان و پهلوانان باستانی نیست، بلکه آیینیه ای از فرهنگ یک سرزمین دیرینه سال است که با ادبیات شکوهمند و نگاه ژرف به زندگی انسانی توانسته است در گذر سده ها جای خود را در جان و زبان مردم نگاه دارد و آوازه اش را به فراسوی مرزهای ایران بگستراند. گفتن از فردوسی و «شاهنامه، و تأثیر آن بر ایرانیان، علاوه بر بررسی زوایای گاه کمتر دیده شده، یادآوری میراثی سترگ است که با ادبیات شکوهمند و خیرگزاری «ایرنا، میزگردی با موضوع «فردوسی، شاهنامه و میراث او در گستره فرهنگی ایران» برگزار کرده که استادان حاضر در آن به مسائل مختلفی، از جمله ریشه های حماسه و «شاهنامه، و اهمیت آن، پرداخته اند. آنچه در ادامه می آید، گزیده ای از این نشست است.

● محمود جعفری دقيقي، رئیس انجمن ایران شناسی و استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران:

حماسه دفاعی است

از آنچه بودیم و هستیم

پرسشی که در اینجا مطرح می شود این است که اصلا چرا حماسه ملی ایران ایجاد شد، چون، وقتی می خواهیم درباره «شاهنامه» سخن بگوئیم، لازم است نخست به این سؤال پاسخ دهیم که چرا چنین حماسه ای شکل گرفت. با توجه به تعریفی که از حماسه در اختیار داریم، معمولاً گفته می شود که حماسه زمانی شکل می گیرد که دولت هایی تأسیس شده باشند و در دل این دولت ها قهرمانانی پدید آیند که بخواهند از کشور، از مرزهای آن، و از هویت آن دفاع کنند. در چنین شرایطی است که ما شاهد شکل گیری حماسه خواهیم بود.

وقتی به عصر هخامنشی می رسیم، یکی از بزرگ ترین امپراتوری های جهان باستان را در ایران داریم، امپراتوری ای که حتی امروز هم همگان معترف اند که پدیده ای عظیم و سترگ در تاریخ جهان باستان بوده است. اما، با یورش اسکندر مقدونی به این سرزمین و به مشرق زمین به طور کلی، و با سقوط شاهنشاهی هخامنشی، به طور طبیعی نیاز به بازنگری در حماسه های ایرانی به وجود آمد. به ویژه در دوره اشکانیان، این نکته برای جامعه ایرانی روشن شد که جامعه نیاز دارد به حماسه هایش بازگردد و آن ها را مرور کند. اما چرا؟ علتش این است که، هرگاه یک جامعه احساس کند مورد تحقیر قرار گرفته، یا کوچک شمرده می شود، یا آن گونه که باید درست به جهان معرفی نمی شود، در آن زمان است که نیاز به حماسه احساس می شود. علت این نیاز در این است که حماسه ها روایت می کنند که ما چه کسانی بوده ایم، چه صفات اخلاقی ای داشته ایم، و چه قهرمانی هایی برای حفظ سرزمین خود انجام داده ایم، بنابراین، ما نخستین نشانه های حماسه



● ابراهیم خدایار، دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس و پژوهشگر ادبیات فارسی در آسیای میانه:

عظمت «شاهنامه»

در هویت بخشی آن هم هست

«شاهنامه»، نه تنها یک اثر حماسی عظیم است، که نقشی بی بدیل در شکل دهی به هویت ایرانی و حفظ آن در طول تاریخ ایفا کرده است.

هویت، چه در سطح فردی و چه در سطح جمعی، یکی از مهم ترین مسائل در هر جامعه ای است. یکی از بزرگ ترین نقش های «شاهنامه» در هویت ملی ایرانی این است که توانست، از یک سو، پیوند فرهنگی میان ایران و اسلام برقرار کند، و از سوی دیگر، هویت ایرانی را در دنیای اسلامی حفظ و تثبیت کند. «شاهنامه»، به عنوان یک مادر فرهنگی، توانست هویت ایرانی را با بال اسلام به اوج شکوه و عظمت خود برساند. این تأثیر به قدری عمیق است که حتی امروز ایران اسلامی، با تمام تغییرات سیاسی و دینی که در طول تاریخ داشته، همچنان هویت خود را از «شاهنامه» گرفته و از آن بهره برداری کرده است.

یکی از جنبه های مهم دیگر «شاهنامه» زبان فارسی است که نقش مهمی در تثبیت هویت ملی ایرانی داشت. اگرچه زبان فارسی پیش از فردوسی و «شاهنامه» وجود داشت و شاعران بزرگی چون رودکی در شکل گیری آن سهم داشتند، فردوسی با



نورم اژدها (ای کشد، (سجانی از شاهنامه، در موزه نیشنل لندن)

«شاهنامه» زبان فارسی را به شکلی پایدار و شکوهمند تثبیت کرد. «شاهنامه»، به مثابه یک گنجینه زبانی، واژه های فارسی را حفظ کرده، و واژه های عربی ای که در آن به کار رفته تنها ۹ درصد از کل واژه ها را شامل می شود. این انتخاب زبان در «شاهنامه» باعث شد تا فارسی به عنوان زبان ملی ایران در برابر دیگر زبان ها و فرهنگ ها مقاومت کند.

با توجه به وضعیت جهان امروز و پیشرفت تکنولوژی هایی مانند هوش مصنوعی و نرم افزارهای ترجمه، ممکن است در آینده زبان ها و مرزهای زبانی به هم ریخته و هویت ها تحت تأثیر این تغییرات قرار گیرند. در این شرایط، «شاهنامه» به عنوان یک ستون

استوار فرهنگی و زبانی می تواند همچنان به ماکمک کند تا هویت ایرانی خود را در برابر تندبادهای جهانی حفظ کنیم. این اثر، با حفظ زبان و فرهنگ ایران، همچنان به عنوان یک سنگ بنای هویتی برای ایرانیان به شمار می آید که می تواند ما را در برابر خطرات جهانی آینده محافظت کند.

عظمت «شاهنامه» تنها در داستان های حماسی آن نیست، بلکه در نقشی است که در شکل گیری و حفظ هویت ایرانی در سطح فردی و جمعی ایفا کرده است. «شاهنامه» همچنان یک نگین فرهنگی است که در آینده نیز می تواند برای ایرانیان منبع الهام و قوت باشد.

● **اقتباس های سینمایی و تلویزیونی**

تاکنون، سه رمان از مجموعه رابرت لنگدن به فیلم سینمایی تبدیل شده اند که در مجموع فروش جهانی نزدیک ۱.۵ میلیارد دلار داشته اند.

«رمز داوینچی» (۲۰۰۶): این فیلم براساس رمانی با همین نام (۲۰۰۳) ساخته شده و داستان قتل در موزه لوور و سرنخ هایی در نقاشی های داوینچی را روایت می کند که به کشف یک راز مهم مذهبی منجر می شود. تام هنکس در نقش «رابرت لنگدن» در این فیلم ایفای نقش کرده است. «فرشتگان و شیاطین» (۲۰۰۹): در این فیلم، رابرت لنگدن برای حل یک قتل و جلوگیری از یک اقدام تروریستی علیه ویتیکان تلاش می کند. رمان براون در سال ۲۰۰۰ منتشر شد.

دوزخ (۲۰۱۶): در این فیلم، رابرت لنگدن با فراموشی در بیمارستانی در ایتالیا بیدار می شود و، با همکاری دکتر سائینا بروکس، برای خنثی کردن یک نقشه شوم و مرگبار در سراسر اروپا تلاش می کند. این رمان براون در سال ۲۰۱۳ انتشار یافت.

همچنین، سریال کوتاه «نماد گمشده» (۲۰۲۱) اقتباسی از یکی دیگر از رمان های دن براون به همین نام است که سال ۲۰۰۹ انتشار یافت و پیشتر به نام «کلید سلیمان» شناخته می شد.

خبر خوش برای طرف داران شخصیت محبوب رابرت لنگدن آن است که تئلیفیکس، در یک رقابت فشرده،

حق اقتباسی رمان «راز رازها» را به دست آورده و قصد دارد

آن را به یک سریال تبدیل کند. این پروژه با همکاری مشترک دن

براون و کارلتون کیوس، سازنده سریال هایی چون «گمشده» و «جک

رایان»، انجام خواهد شد.



و در این مسیر لنگدن در تلاش برای یافتن کاترین و رازهایی

شگفت آور، با پروژه ای مخفی روبه رو می شود که حقیقت آن

می تواند برای همیشه نگاه ما به ذهن انسان را دگرگون کند.



تئلیفیکس رمان جدید دن براون را سریال می کند

ماجرای جدید پروفیسور رابرت لنگدن

می شود که اغلب با تاریخ، هنر، و نماد های مذهبی گره خورده اند. این رمان ها، معمولاً، داستانی پرشتاب و معمایی دارند و خواننده را تا صفحات پایانی در تعلیق نگه می دارند.

رمان جدید دن براون با نام «راز رازها» (The Secret of Secrets) پنجمین اثر از مجموعه رابرت لنگدن است. در این رمان ۶۸۸ صفحه ای، رابرت لنگدن به پراگ می رود تا در سخنرانی کاترین سالومون شرکت کند. کاترین در آستانه انتشار کتابی انقلابی است که کنشیات شگفت انگیزی درباره آگاهی انسان عرضه می کند و می تواند باورهای تثبیت شده قرن ها را به چالش بکشد. اما وقوع یک قتل وحشیانه و همه چیز را به هم می ریزد و کاترین، به همراه نسخه دست نویسش، ناپدید می شود. لنگدن را یک سازمان قد رتمند هدف قرار می دهد و دشمنی رموز که از دل اسطوره های کهن پراگ برخاسته تعقیب می کند. ماجرا به لندن و نیویورک گسترش می یابد

و در این مسیر لنگدن در تلاش برای یافتن کاترین و رازهایی

شگفت آور، با پروژه ای مخفی روبه رو می شود که حقیقت آن

می تواند برای همیشه نگاه ما به ذهن انسان را دگرگون کند.

گروه فرهنگ و ادبیات

دنیل گرهارد براون (زاده ۱۹۶۴)، که بیشتر با نام «دن براون» شناخته می شود، نویسنده آمریکایی است که بیشتر به واسطه رمان های پرهیجان و معمایی اش، به ویژه کتاب جنجالی «رمز داوینچی»، که در سال ۲۰۰۳ منتشر شد، شهرت جهانی پیدا کرد. پدر خانواده معلم ریاضی و مادر

ارگ نواز کلیسا بود. و- بنابراین- دن در محیطی آکادمیک و پیرو کلیسای اسقفی بزرگ شد. او ابتدا در زمینه موسیقی فعالیت می کرد و حتی یک شرکت موسیقی تأسیس کرد. بسیاری معتقدند که رابرت لنگدن، شخصیت اصلی رمان های براون، یک آلترا ایگو یا خودِ دیگر خیالی او نویسنده است.

● **«راز رازها»، عضو جدید خانواده «رابرت لنگدن»**

مجموعه رمان های «رابرت لنگدن» - که همه به فارسی هم ترجمه شده اند- حول محور شخصیت رابرت لنگدن، استاد نهاد شناسی مذ هبی در دانشگاه هاروارد، می چرخد. لنگدن، در هریک از این رمان ها، درگیر حل معماها و کشف رازهایی